

تحلیل رابطه ادراک اخلاقی و قضاوت اخلاقی شاغلان حرفه حسابداری در بخش عمومی نسبت به هشداری تخلفات مالی: نقش تعدیل گر هوش اخلاقی

مجید گلدوست^۱

قدرت الله طالب نیا^۲

علی اسماعیل زاده مقری^۳

فریدون رهنمای رودپشتی^۴

رمضانعلی رویایی^۵

چکیده:

تصمیم به افشا یا سکوت در قبال یک تخلف مالی در سازمان که فرد شاغل در حرفه حسابداری شاهد آن بوده یک تنگنای اخلاقی است. این مسئله به ادراک و قضاوت اخلاقی حسابدار نسبت به هشداری بستگی خواهد داشت. هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین ادراک اخلاقی و قضاوت اخلاقی حسابداران شاغل در بخش عمومی نسبت به هشداری تخلفات مالی با تأکید بر نقش هوش اخلاقی است. بدین منظور در یک پلات فرم مبتنی بر وب، سوالاتی در قالب پرسشنامه استاندارد و سناریو محقق ساخته با توجه به محیط حسابداری بخش عمومی در اختیار شاغلان حرفه در بخش عمومی استان گیلان قرار گرفت. اطلاعات گردآوری شده از مجموع ۲۷۳ پرسشنامه تکمیل شده با استفاده از روش معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (نسل دوم)، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های حاصل از مدل نهایی، بیانگر آن است که ادراک اخلاقی دارای رابطه مستقیم با قضاوت اخلاقی نسبت به انواع هشداری مورد بررسی در این تحقیق نمی‌باشد لیکن هوش اخلاقی این رابطه را تا حد قابل ملاحظه‌ای تعدیل می‌کند. علاوه بر آن قضاوت اخلاقی بر انواع هشداری‌ها تأثیر قابل توجه داشته و هوش اخلاقی نیز می‌تواند نقش تعدیل‌گری مثبت در این بین ایفا نماید.

کلمات کلیدی: هشداری، تصمیم‌گیری اخلاقی، هوش اخلاقی، افشاگری تخلفات مالی.

۱. دانش آموخته دکتری حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. دانشیار، گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. نویسنده مسئول. پست الکترونیک: gh_talebniya@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

۴. استاد، گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

۵. استادیار، گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

□ ۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسئله

سازمانها همواره در پی دستیابی به عملکردی عاری از خطا و اشتباه اند و در این راستا کوشش دارند تدابیر لازم را در جهت جلوگیری و کشف به هنگام انحرافات و انواع خطاکاریها اتخاذ نمایند. این امر به ویژه در سازمانهای بخش عمومی که متعلق به آحاد جامعه بوده و پاسخگویی در قبال امکانات و داراییهای دولت را بر عهده دارند، اهمیتی وافر دارد. فرآیندها و رویه‌های اتخاذ شده توسط سازمانهای بخش عمومی جهت گزارش خطاها، انحرافات و تخلفات توسط ذینفعان سازمان، در حال حاضر به عنوان جزء مهمی از حکمرانی خوب^۱ تلقی شده و نقش قابل ملاحظه‌ای در شفافیت، ایفای مسئولیت پاسخگویی و مسئولیت اجتماعی این سازمانها ایفا می‌کند (علی نقیبیان و همکاران، ۱۳۹۵). در سالیان اخیر بروز تخلفات و سوء استفاده‌های مالی در سازمانهای دولتی افکار عمومی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و آنان را نسبت به عملکرد این نهادها حساس تر نموده است (افشانی و همکاران، ۱۳۹۷). به لحاظ نقش غیر قابل اجتناب حرفه حسابداری در بروز یا جلوگیری از پدیده‌های تخلف و سوء استفاده‌های مالی، رسوایی‌های فاجعه آمیز رُخ داده اعتماد آحاد جامعه را به این حرفه نیز خدشه‌دار نموده است. بروز موارد فوق، لزوم شناسایی زیر ساختهای لازم برای اجرای اخلاقی حسابداری و توجه ویژه به بحران اعتماد در این حرفه را یادآور می‌شود (حساس یگانه و مقصودی، ۱۳۹۰). در شرایط کنونی نظارت فراگیر و اثربخش بر منابع عمومی به عنوان مطالبه همگانی مطرح بوده و استفاده از هر ابزاری که بتواند انحرافات و خطاکاریهای رُخ داده در عملکرد سازمانهای بخش عمومی را در سریعترین زمان ممکن کشف نماید، ضروری است. به منظور جلب اطمینان جامعه نسبت به خود انتظامی در حرفه حسابداری، شاغلان این حرفه می‌بایست نسبت به کشف هرگونه خطاکاری و تخلف مرتبط با حوزه مالی حساس بوده و در صورت اطلاع از آن، پیش از آنکه منجر به زیان عمومی شود، نسبت به افشاگری^۲ (هشداردهی) آن به مراجع ذیربط درون و برون سازمانی مبادرت نمایند. به رغم وجود سازوکارهای گوناگون برای پیشگیری و کشف انواع تقلب و سوء استفاده در سازمانها، باز هم متداول‌ترین روش کشف تخلف، از راه افشاگری بوده است. به عبارت بهتر در اغلب موارد مدیران یا سرپرستان زمانی متوجه اشتباهات یا تخلفات رُخ داده در فرآیندهای مالی و عملیاتی خود می‌شوند که شخصی این موارد را افشا نموده باشد. (نر و میکلی، ۲۰۱۶)

هشداردهی تخلفات مالی توسط حسابداران به مثابه یک تصمیم اخلاقی برای آنان تلقی گردیده و عوامل مختلفی در ظهور و بروز آن دخیل هستند. (لاتان و همکاران، ۲۰۱۶) فرآیند تصمیم‌گیری در خصوص افشای یک تخلف مالی، با وقوع یک مسئله یا تنگنای اخلاقی با این موضوع که آیا فرد، باید تخلفی را که از آن مطلع شده است، افشا نماید یا خیر شروع می‌شود. بسط و تشویق پدیده افشاگری، مستلزم شناخت و تبیین ابعاد مختلف فرآیند تصمیم‌گیری

1. Good governance

2. Whistleblowing

اخلاقی و عوامل مؤثر در این فرآیند است. این پژوهش، به هشداردهی به مثابه یک تصمیم اخلاقی نگرینسته و در راستای تعیین عناصر تأثیرگذار بر قضاوت اخلاقی حسابداران نسبت به افشاگری تخلفات مالی، مدل جامع تصمیم‌گیری اخلاقی را با تأکید بر نقش هوش اخلاقی، مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱-۲- مبانی نظری

وارد شدن واژه هشداردهی (افشاگری) به ادبیات ضد تقلب و ضد فساد جهان از روش مورد استفاده توسط نیروهای پلیس گشتی انگلستان در باخبر کردن دیگر همکاران خود از وجود افراد خلاف‌کار برگرفته شده است. آنان بر پایه یک سنت قدیمی، هنگام مواجه با یک فرد بزه‌کار در شهر، همزمان با تعقیب وی، در سوت همراه‌شان می‌دمیدند تا از این طریق با اطلاع دادن به دیگر همقطاران خود، با همکاری یکدیگر فرد خلاف‌کار را دستگیر کنند (لی گا او و برینک ۲۰۱۷). از دیدگاه سازمانی، هشداردهی عملی است که طی آن، فردی از اعضای سازمان (فعلی یا گذشته) مراجع ذیصلاح را از عمل یا جریانی خلاف قانون، اخلاق یا ضوابط لازم‌الرعایه در سازمان مطلع می‌کند. (نر و میکلی، ۲۰۱۶) تعریف اخیر در بیشتر تحقیقات صورت گرفته در زمینه هشداردهی در حرفه حسابداری و حسابرسی مورد قبول واقع شده است (لاتان و همکاران، ۲۰۱۸). فرد دریافت‌کننده گزارش اگر از اعضای داخل سازمان باشد هشداردهی صورت گرفته هشداردهی داخلی بوده و اگر این مرجع مستقل از سازمان باشد نوع هشداردهی خارجی خواهد بود. علاوه بر آن در حوزه هشداردهی‌های مالی، همواره به نحوه دریافت گزارش هشداردهی نیز توجه شده است بطوریکه از این مجرا، دو نوع مجرا شناسایی شده است که اولی به صورت رسمی بوده و آن زمان است که فرد افشاء‌کننده، گزارش را با ذکر مشخصات و آدرس خود ارائه می‌کند یا به صورت ناشناس مبادرت به این امر می‌نماید. (کولبرگ و میهلیچ، ۲۰۱۶) مطالعات صورت گرفته درباره ی ترجیح هشداردهی داخلی یا خارجی، نشان می‌دهند که در شرایط تعهد سازمانی پایین فرد هشداردهنده، اعتماد کمتر وی به مدیریت و در دسترس بودن شواهد معتبر در خصوص تخلف، احتمال هشداردهی خارجی نسبت به هشداردهی داخلی بیشتر خواهد بود. (کورتیز، ۲۰۰۹)

تحقیقات دانشگاهی در این زمینه از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شده است. اکثریت قریب به اتفاق این پژوهش‌ها، یا بر شناسایی ویژگیهای روانشناختی و جامعه‌شناختی فرد هشداردهنده متمرکز بوده‌اند یا بر شناسایی وضعیتی که منجر به هشداردهی می‌شود، تأکید دارند. (لی گا او و برینک ۲۰۱۷) به عقیده نر و میکلی (۲۰۱۶) اقدام به هشداردهی خود متشکل از پنج جزء تعیین‌کننده است که عبارتند از: خصوصیات و ویژگیهای هشداردهنده، خصوصیات و ویژگیهای گیرنده گزارش، ویژگیهای تخلف یا رفتاری که نسبت به آن هشدار داده می‌شود، ویژگیها و خصوصیات فرد متخلف و نهایتاً ویژگیهای سازمانی که در آن هشداردهی صورت می‌گیرد.

افشای خطاکاری‌های رخ داده در حوزه مالی توسط حسابداران به عنوان یک تصمیم اخلاقی برای آنان تلقی می‌شود و عوامل مختلفی در آن دخیل است. تصمیم‌گیری اخلاقی فرآیندی

تعریف می‌شود که طی آن فرد در خصوص اخلاقی یا غیراخلاقی بودن یک اقدام یا تصمیم، قضاوت می‌کند (شوارتز، ۲۰۱۶). عمل افراد بازتابی از مسیر فکر و احساس درونی آنهاست. براین اساس، درک حسابداران درباره درستی و نادرستی کارها بر کمیت و کیفیت عملکرد آنان تأثیرگذار خواهد بود. ادراک، نوعی فرآیند است و در این فرآیند افراد اطلاعات معنادار در ارتباط با مسائل پیش روی خود را سازماندهی و تفسیر می‌کنند. به گفته باگداساروف و همکاران (۲۰۱۶)، ادراک اخلاقی عامل محرک تمام تصمیم‌گیری‌های اخلاقی بوده و به معنای تشخیص فرد از یک مفهوم اخلاقی است بنابراین ادراک اخلاقی، سازمان دهنده و محرک تمام تصمیم‌گیری‌های اخلاقی است. در واقع ادراک اخلاقی، نقطه‌ای از زمان تعریف می‌شود که فرد در می‌یابد که با شرایطی مواجه است که در آن می‌بایست طبق موازین اخلاقی اقدامی را انجام دهد (یا ندهد) که بر اثر آن منافع یا انتظارات خود و دیگران تحت تأثیر قرار خواهد گرفت (هینک، ۲۰۰۸). توانایی ادراک اخلاقی و عوامل مؤثر بر آن طیف وسیعی از متغیرها را در بر می‌گیرد که سبب می‌شود آستانه وقوع آن در افراد مختلف، متفاوت باشد. به عنوان مثال، میزان شدت و حساسیت ادراک اخلاقی می‌تواند به صورت ژنتیک از پدر و مادر به فرزندان انتقال یابد یا بر حسب تجربیات فرد در طول زندگی توسعه پیدا کند و یا عوامل دموگرافیک (جنسیت، سن و نظایر آن) میزان آن را تعیین کند. علاوه بر آن اصول کلی پذیرفته شده توسط فرد (مثلا در قالب دین و فرهنگ خاص) تأثیر مستقیم بر ادراک اخلاقی فرد دارد. در سالیان اخیر به لطف تحقیقات انجام شده، پیشرفت‌های قابل توجهی در اندازه‌گیری و شناخت برخی از ابعاد فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی صورت پذیرفته است (گرینه، ۲۰۱۷). در این راستا، محققان عوامل مختلفی را که بر نحوه تصمیم‌گیری‌های اخلاقی افراد تأثیر گذارند، شناسایی کرده و سعی در توضیح چگونگی روابط آنها با یکدیگر در قالب مدل‌های تصمیم‌گیری اخلاقی، دارند. برخی از مدل‌های تصمیم‌گیری اخلاقی با بهره‌گیری از تحقیقات صورت گرفته در سایر رشته‌ها همچون فلسفه اخلاق، روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، رفتار سازمانی، جرم‌شناسی و امثالهم، در پی توضیح و چگونگی انجام فرآیند تصمیم‌گیری اخلاقی برآمده اند (حاجیها و راشکی گزیه، ۱۳۹۶). مسلم است که ادراک اخلاقی پیش‌مقدمه قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی در افراد به طور عام و در حسابداران به طور خاص است. بر طبق رویکردهای منطقی در تصمیم‌گیری اخلاقی، ادراک اخلاقی مستقیماً منجر به قضاوت اخلاقی در افراد می‌شود و هسته اصلی این رابطه، استدلال و تعقل منطقی است. روانشناسان نظریه‌های متعددی را پیرامون استدلال اخلاقی مطرح نموده‌اند که دو نظریه قالب در این حوزه، نظریه مرحله‌ای ژان پیاژه و کلبِرگ می‌باشد (حساس یگانه و مقصودی، ۱۳۹۰). این تفکر سال‌های متعددی بر تئوری مدل‌های تصمیم‌گیری اخلاقی سایه افکننده بود. اما در سال‌های نخستین قرن حاضر، توجه به بُعد غیر منطقی تصمیم‌گیری اخلاقی در بین محققان دانشگاهی محبوبیت یافت. در این راستا، شوارتز در ارائه مدل جامع قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی خود، تأثیر ادراک بر قضاوت اخلاقی به صورت خطی ندانسته و معتقد است که این رابطه تحت تأثیر انبوه عوامل منطقی و غیرمنطقی قرار دارد. هر کدام از این مؤلفه‌ها متصل به یک مدار عصبی مجزا هستند

و تأثیر مجزایی را نیز بر پاسخ‌های افراد به تنگناهای اخلاقی پیش رو موجب می‌شوند. وی با مطرح کردن عناصری همچون، استدلال، احساسات، شهود، توجیه، ظرفیت اخلاقی و مشاوره عوامل میانجی را بین ادراک و قضاوت اخلاقی مؤثر دانسته است (شوارتز، ۲۰۱۶). به عبارت دیگر اثر توأمان حالات آدمی، تجربیات پیشین وی در موقعیتهای گوناگون در قالب ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه وی در کنار قدرت تعقل و استدلال، منجر به قضاوت اخلاقی و نهایتاً تصمیم‌گیری اخلاقی فرد می‌شود (لاتان و همکاران، ۲۰۱۷).

از جمله متغیرهایی که پژوهشگران علوم رفتاری در دوره معاصر همواره به آن توجه داشته‌اند، هوش و ابعاد آن است. بدون شک، هوش فرد، تصمیم‌گیری‌های او را تحت تأثیر قرار داده و نقش انکارناپذیری بر عملکرد وی در موقعیتهای مختلف ایفا می‌کند (گل محمدیان و همکاران، ۱۳۹۴). بطور کلی محققان، هوش را ظرفیت کسب دانش، قدرت تفکر، استدلال انتزاعی و توانایی حل مسأله تعریف می‌کنند. اخیراً در حوزه هوش، ابعاد جدیدی شناخته شده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد هوش که جدید بوده و چندان نیز به آن پرداخته نشده، هوش اخلاقی است. هوش اخلاقی برای اولین بار توسط بوربا (۲۰۰۵) در رشته روانشناسی وارد شد. بوربا هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از نادرست، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن‌ها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کند. هوش اخلاقی به شدت با مفهوم ظرفیت اخلاقی معرفی شده از سوی شوارتز در مدل جامع قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی گره خورده است. به گفته وی ظرفیت (هوش) اخلاقی بیانگر وضعیت شخصیت اخلاقی و یکپارچگی اخلاقی فرد است. شخصیت اخلاقی فرد، سطح بلوغ و رشد اخلاقی او بر اساس سیستم ارزش‌های اخلاقی و درجه توسعه اخلاقی اوست که منجر به احساس هویت اخلاقی در وی می‌شود و یکپارچگی اخلاقی نیز به معنای تعهد یا انگیزه ی لازم برای پافشاری و استمرار تصمیم‌گیری بر اساس اصول و ارزش‌های اخلاقی در ورطه عمل و در هنگام مواجه با تنگناهای اخلاقی است (جاکسون، ۲۰۱۳). هوش اخلاقی به معنی توجه به زندگی انسان و طبیعت، رفاه اقتصادی و اجتماعی، ارتباطات باز و صادقانه و حقوق شهروندی است. بدون اخلاق اجتماعی نمی‌توان از پس هوش تحلیلی برآمد. برخی از صاحب نظران چهار اصل هوش اخلاقی را که برای موفقیت مداوم سازمانی و شخصی ضروری است بدین گونه بر شمرده‌اند: عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها و باورها؛ یعنی ایجاد هماهنگی بین آنچه که فرد به آن باور دارد و آنچه که به آن عمل می‌کند. انجام آنچه که فرد می‌داند درست است و گفتن حرف راست در تمام زمان‌ها. کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، به شیوه‌ای که با اصول و عقایدش سازگار باشد، عمل خواهد نمود (حاجیها و ملاسلطانی، ۱۳۹۵). مسئولیت‌پذیری: کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، مسئولیت اعمال و پیامدهای آن را بر عهده گرفته و همچنین اشتباهات و شکست‌های خود را نیز خواهد پذیرفت. دلسوزی: توجه به دیگران که دارای تأثیر متقابل است. اگر فرد نسبت به دیگران مهربان و دلسوز بود، دیگران نیز در زمان نیاز با او همدردی و مهربانی خواهند نمود. بخشش: آگاهی از عیوب خود و تحمل اشتباهات دیگران (گل محمدیان و همکاران، ۱۳۹۴). انتظار بر آن است که هوش اخلاقی رابطه

بین ادراک اخلاقی و قضاوت اخلاقی را تحت تأثیر قرار داده و قضاوت اخلاقی حسابداران را نسبت به هشداردهی تخلفات مالی بهبود بخشد چراکه با افزایش ظرفیت اخلاقی فرد شاغل در حرفه، هوش اخلاقی وی نیز تقویت شده و این امر سبب می‌شود که او هشداردهی را که یک عمل سودمند برای اجتماع است به عنوان یک وظیفه اخلاقی در نظر گیرد.

با عنایت به موارد فوق فرضیات این پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: ادراک اخلاقی بر قضاوت اخلاقی شاغلان حرفه حسابداری نسبت به هشداردهی تخلفات مالی در دستگاههای اجرایی تأثیر مثبت و مستقیم دارد.

فرضیه دوم: هوش اخلاقی رابطه بین ادراک اخلاقی و قضاوت اخلاقی شاغلان حرفه حسابداری را نسبت به هشداردهی تخلفات مالی در دستگاههای اجرایی، تعدیل می‌کند.

فرضیه سوم: قضاوت اخلاقی تأثیر مثبت و مستقیم بر هشداردهی داخلی تخلفات مالی توسط شاغلان حرفه حسابداری در بخش عمومی دارد.

فرضیه چهارم: قضاوت اخلاقی تأثیر مثبت و مستقیم بر هشداردهی خارجی تخلفات مالی توسط شاغلان حرفه حسابداری در بخش عمومی دارد.

فرضیه پنجم: قضاوت اخلاقی تأثیر مثبت و مستقیم بر هشداردهی رسمی تخلفات مالی توسط شاغلان حرفه حسابداری در بخش عمومی دارد.

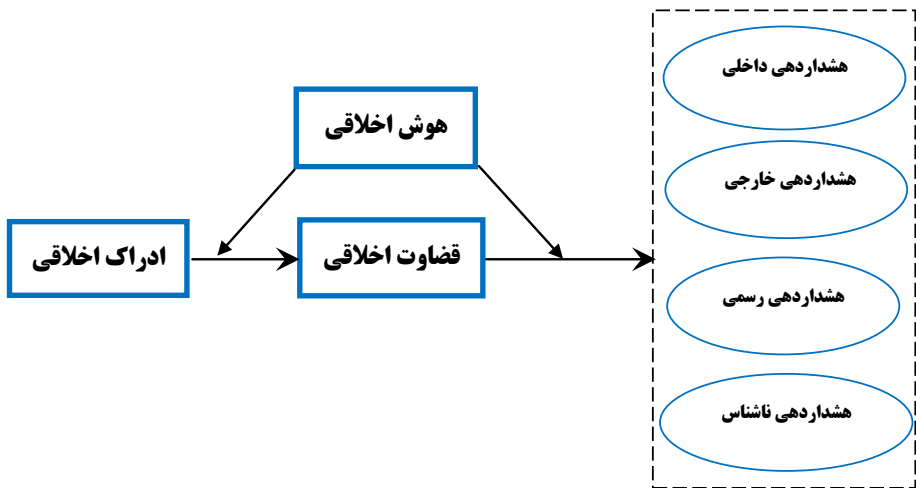
فرضیه ششم: قضاوت اخلاقی تأثیر مثبت و مستقیم بر هشداردهی ناشناس تخلفات مالی توسط شاغلان حرفه حسابداری در بخش عمومی دارد.

فرضیه هفتم: هوش اخلاقی رابطه بین قضاوت اخلاقی و هشداردهی داخلی تخلفات مالی توسط شاغلان حرفه حسابداری در دستگاههای اجرایی را تعدیل می‌کند.

فرضیه هشتم: هوش اخلاقی رابطه بین قضاوت اخلاقی و هشداردهی خارجی تخلفات مالی توسط شاغلان حرفه حسابداری در دستگاههای اجرایی را تعدیل می‌کند.

فرضیه نهم: هوش اخلاقی رابطه بین قضاوت اخلاقی و هشداردهی رسمی تخلفات مالی توسط شاغلان حرفه حسابداری در دستگاههای اجرایی را تعدیل می‌کند.

فرضیه دهم: هوش اخلاقی رابطه بین قضاوت اخلاقی و هشداردهی ناشناس تخلفات مالی توسط شاغلان حرفه حسابداری در دستگاههای اجرایی را تعدیل می‌کند.



شکل شماره (۱) - مدل مفهومی تحقیق

۳-۱- پیشینه تجربی پژوهش

موضوع افشاگری و هشداردهی با توجه به رسوایی‌های مالی حادث شده به ویژه در پنج سال اخیر بسیار بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. (لی گا، ۲۰۱۷) بطور کلی در جستجوهای صورت گرفته در متون پژوهشی خارجی، بیش از ۵۰ عنوان اثر علمی با موضوع هشداردهی شناسایی و جمع آوری گردید لیکن با توجه به کثرت مستندات علمی یاد شده و فرضیه‌های تحقیق، در ذیل به تعدادی از آنها که منحصراً در حوزه هشداردهی در حرفه حسابداری و حسابرسی بخش عمومی می‌پردازند، اشاره خواهد شد.

ژن جنک (۲۰۱۶) در رساله دکتری خود با موضوع «بررسی تأثیر هوش هیجانی رهبران بر قصد هشداردهی توسط زیردستان» دریافت که در صورت دخیل نبودن رهبر در یک سوءاستفاده مالی، زیردستان هنگامیکه او دارای هوش هیجانی بالایی است بیشتر تمایل به هشداردهی تخلف صورت پذیرفته شده خواهند داشت. علاوه بر آن، وی نشان داد که بین تمایل زیردستان به هشداردهی و هوش هیجانی مدیر و همچنین عواملی چون اعتماد به مدیر و رضایت شغلی ارتباط معناداری وجود دارد. کی لیبر (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «انگیزه کارکنان دولت فدرال دولت آمریکا در گزارش تخلفات» به بررسی ارتباط بین انگیزه ارائه خدمت عمومی و هشداردهی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر ارتباط مثبت انگیزه ارائه خدمت عمومی با هشداردهی بوده و بیانگر آن است که شدت تخلفات رخ داده نیز این ارتباط را تعدیل می‌کند. لاتان و همکاران (۲۰۱۷) با بهره‌گیری از مدل جامع تصمیم‌گیری اخلاقی شوارتز (۲۰۱۶) اثر عوامل غیرمنطقی را بر تصمیم حسابرسان جامعه حسابداران کشور اندونزی نسبت به هشداردهی تخلفات همکاران خود مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌های آنان، نیت هشداردهی، بستگی

به ادراک اخلاقی و قضاوت اخلاقی داشته و این ارتباط بر اثر عواملی همچون احساسات و شدت مسئله اخلاقی تحت تأثیر قرار گرفته و تعدیل می‌شود. آینه و همکاران (۲۰۱۸) در یک پژوهش تجربی که در بین حسابداران بخش عمومی کشور باربادوس انجام شد دریافتند که قصد هشداردهی داخلی به طور قابل توجهی تحت تأثیر هر پنج مؤلفه پیشینه فردی (شامل: نگرش، کنترل رفتاری درک شده، تعهد به استقلال، مسئولیت شخصی برای گزارش دهی خطا و هزینه شخصی گزارش) قرار داشته در حالیکه هشداردهی خارجی تنها تحت تأثیر سه مؤلفه نگرش، کنترل رفتاری درک شده و هزینه شخصی گزارش برای گزارش دهنده، قرار گرفته است. پژوهش لاتان و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد قصد هشداردهی داخلی و خارجی در حسابداران بخش عمومی علاوه بر آن که تحت تأثیر هر پنج مؤلفه پیشینه فردی قرار دارد این ارتباط با سه مؤلفه حمایت سازمانی درک شده، هنجارهای تیمی و شدت مسئله اخلاقی تعدیل می‌شود.

مرور ادبیات موضوع پژوهش، در منابع داخلی بیانگر آن است که پدیده هشداردهی و هوش اخلاقی، کمتر مورد مطالعه محققان داخلی بوده و از این حیث موضوع پژوهشی جدیدی در کشور ما قلمداد می‌شود با این وجود از جمله تحقیقات مرتبط در این زمینه می‌توان به پژوهش حاجیها و ملاسلطانی (۱۳۹۵) با عنوان «رابطه بین هوش اخلاقی با عملکرد حسابرسان مستقل» اشاره نمود که در آن یافته‌های محققان نشان می‌دهد که بین عملکرد حسابرسان و همه مؤلفه‌های هوش اخلاقی به استثنای بخشش رابطه معنادار وجود دارد. در تحقیق بنی‌مهد و گل محمدی (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی رابطه میان جو اخلاقی و هشداردهی در مورد تقلب از طریق مدل گزارشگری اختیاری در حرفه حسابرسی ایران» اثر مؤلفه‌های جو اخلاقی سازمان بر هشداردهی با در نظر گرفتن متغیرهای میانجی شامل برداشت از مسئولیت فردی در قبال گزارش، برداشت از هزینه‌های مربوط به هشداردهی و برداشت از عواقب عمل سؤال برانگیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که جو اخلاقی بر هشداردهی و دو مؤلفه برداشت از مسئولیت فردی در قبال گزارش و برداشت از عواقب عمل سؤال برانگیز، تأثیرگذار است. فیروزی و برزگر (۱۳۹۷) رابطه میان جنبه‌های موقعیتی حسابداران و تصمیم به اعلام و انتشار اقدامات غیراخلاقی را مورد پژوهش قرار دادند. به اعتقاد آنان ترس از خسارات مادی و اعتباری ناشی از افشاء سبب می‌شود تا حسابداران تمایلی برای افشای موارد غیر اخلاقی که شاهد آن بوده‌اند، نداشته باشند. افشانی و همکاران (۱۳۹۷) عوامل مؤثر بر قصد افشای تخلفات در کارکنان را مورد بررسی قرار دادند. پژوهش آنان نشان می‌دهد که افراد با کانون کنترل درونی، نگرش مثبت به هشداردهی و هویت اخلاقی بالا نسبت به مشاهده تخلفات سازمانی بی‌تفاوت نبوده و جایگاه فرد متخلف و میزان جدیت تخلف نقش قابل ملاحظه‌ای در تمایل افراد به افشای آنها دارند.

□ ۲- روش پژوهش

۲-۱- روش پژوهش

روش پژوهش حاضر تلفیقی از پیمایشی و همبستگی است. تحقیقات پیمایشی معمولاً از

طریق نظر سنجی صورت گرفته که در این تحقیق، از نوع مقطعی آن، جهت گردآوری داده‌های پژوهش استفاده شده است. از طرف دیگر چون هدف پژوهش، بررسی رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه است که در آن تأثیر بعضی از متغیرها بر روی برخی دیگر ارزیابی می‌گردد، در نتیجه روش تحقیق از نوع همبستگی و مدل یابی بوده و از لحاظ هدف کاربردی است.

۲-۲- جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شاغلین حرفه حسابداری در بخش عمومی استان گیلان است. با لحاظ گستردگی فعالیت‌های این حوزه و تعدد سازمان‌هایی که مالکیت عمومی بر آنها مترتب می‌باشد، این پژوهش صرفاً بر آن تعداد از حسابداران و حسابرسان شاغل در بخش عمومی متمرکز گردیده که در سازمان‌هایی مشغول به فعالیت هستند که از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر جامعه آماری تحقیق، شامل شرکتها و بانکهای دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی نظیر شهرداریها و سازمان تأمین اجتماعی نمی‌شود. با عنایت به تعداد کل جامعه تحقیق که شامل حدود ۱۰۰۰ نفر می‌باشند با استفاده از فرمول کوکران، تعداد نمونه ۲۷۰ نفر تعیین گردید و در پایان فرآیند جمع‌آوری اطلاعات از جامعه تحقیق تعداد ۲۷۳ پرسشنامه تکمیل شده در دسترس محققین قرار گرفت.

۳-۲- چگونگی گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق از سه بخش تشکیل یافته است که با استفاده از یک پلت فرم آن لاین در محیط مبتنی بر وب در اختیار شرکت کننده گان در تحقیق، قرار داده شد. بخش اول مربوط به اطلاعات جمعیت شناختی شرکت کننده گان در تحقیق (شامل جنسیت، سطح تحصیلات، عنوان شغلی، سابقه حرفه‌ای) بوده است. بخش دوم در برگزیده ابزار سنجش هوش اخلاقی می‌باشد و جهت اندازه‌گیری چهار مؤلفه هوش اخلاقی در شرکت کننده گان، از پرسشنامه استاندارد هوش اخلاقی لینک و کیل (۲۰۰۸) که دارای بیست گویه بوده و با دامنه پیوستاری پنج درجه‌ای رتبه‌بندی می‌شود، استفاده شده است. در بخش سوم نیز با تدوین یک سناریو فرضی و طراحی سوالات مرتبط با متغیرهای مورد بررسی مبادرت به اندازه‌گیری آنها گردید. با عنایت به دشواری مشاهده واکنش افراد در هنگام مواجهه با رفتارهای غیراخلاقی و خلاف موازین، استفاده از رویکرد سناریو در تحقیقات مرتبط با اخلاقیات در رشته حسابداری در سالیان اخیر مرسوم شده است. (لی گا او و برینک، ۲۰۱۷، لاتان و همکاران، ۲۰۱۷ و...) در این رویکرد، یک شرایط فرضی ترسیم می‌شود و از پاسخ دهنده درخواست می‌گردد که خود را در نقش تشریح شده قرار داده و سپس به سوالات مرتبط پاسخ دهد. سناریو و سوالات مربوط به آن در تحقیق حاضر، بر گرفته شده از سناریوهای بکار گرفته شده در تحقیقات لاتان و همکاران (۲۰۱۷)، باگداساروف (۲۰۱۶) و کورتیز و تیلور (۲۰۱۳) با اعمال تغییرات، باتوجه به محیط حسابداری بخش عمومی و جامعه مورد مطالعه بوده است که با دامنه پیوستاری هفت درجه‌ای

اندازه‌گیری می‌شود. جدول شماره (۱) پایایی و روایی ابزار تحقیق را در قالب شاخص‌های مربوط ارائه می‌کند. در راستای اخذ پاسخ شرکت کننده گان لینک مربوط به ابزار پژوهش با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و تارنماهای دو مرکز آموزش کارکنان دولت متعلق به جهاد دانشگاهی شعبه گیلان و مرکز آموزش و پژوهش سازمان اداری و استخدامی استان گیلان، در اختیار جامعه پژوهش قرار گرفت که در مجموع تعداد ۲۷۳ نفر از آنها، نسبت به تکمیل آن اقدام نمودند.

جدول شماره (۱) توزیع سوالات ابزار پژوهش و شاخص‌های روایی و پایایی مربوط

ابعاد کلی سنجش	تعداد سوالات	پایایی محاسبه شده با آلفای کرونباخ
هوش اخلاقی	۲۰ سوال	۰/۷۸۸
ادراک اخلاقی	۳ سوال	۰/۸۳۲
قضاوت اخلاقی	۴ سوال	۰/۸۵۳
هشداردهی داخلی	۴ سوال	۰/۸۴۴
هشداردهی خارجی	۴ سوال	۰/۸۳۱
هشداردهی رسمی	۲ سوال	۰/۹۳۰
هشداردهی ناشناس	۲ سوال	۰/۷۸۹
روایی	از روش روایی محتوا برای اطمینان از درستی ابزار اندازه‌گیری استفاده شده است به اینصورت که با استفاده از نظرات تعدادی از اساتید دانشگاه، متخصصان و کارشناسان امور پژوهشی، مطالعه پرسشنامه‌های مشابه و همچنین توزیع ابتدایی پرسشنامه بین تعدادی از جامعه آماری و اعمال نظرات اصلاحی آنان و پس از رفع ابهام در سوالات، پرسشنامه نهایی طراحی، بومی‌سازی و تهیه گردید.	
پایایی کلی	برای پایایی پرسشنامه تعداد ۵۰ پرسشنامه در جامعه اولیه مربوط پخش شد. با استفاده از نرم‌افزار SPSS ضریب آلفای کرونباخ مربوط به پایایی کل ۰/۸۵۰ به دست آمد که به دلیل بیشتر بودن ضریب آلفا از مقدار ۰/۷۰، تمامی مولفه‌های مورد مطالعه از اعتبار کافی برخوردار می‌باشند.	

۲-۴- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور آزمون فرضیات و تحلیل روابط بین متغیرها از رویکرد معادلات ساختاری (PLS) نسل دوم که مبتنی بر حداقل مربعات جزئی است از نرم افزار Smart PLS نگارش سوم، استفاده شده است. برخلاف نسل اول معادلات ساختاری که مبتنی بر کوواریانس بوده و در آن میزان برآزش کلی مدل مفروض ارزیابی می‌شود، روش حداقل مربعات جزئی پیش‌بینی مدار بوده و به نظریه قوی نیاز ندارد و به عنوان روش ساخت نظریه نیز به کار می‌رود. از طریق این روش می‌توان، قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های خاص، با استفاده از داده‌های کم و غیر نرمال آزمایشی و غیرآزمایشی ارزیابی نمود. (آذر و همکاران، ۱۳۹۱) علاوه بر آن، به منظور ارائه آمار توصیفی داده‌های گردآوری شده که به بررسی متغیرهای جمعیت شناختی و برخی

شاخص‌های مرکزی داده‌های پژوهش می‌پردازد با استفاده از نرم افزار Spss نگارش ۲۴ نتایج مربوط حاصل گردید.

□ یافته‌های پژوهش

۳-۱- آمار توصیفی

در بخش توصیفی از تحلیل داده‌ها، نتایج بیانگر آن هستند که از میان تعداد ۲۷۳ نفر شرکت کننده در تحقیق، ۱۸۹ نفر مرد و مابقی زن می‌باشند و بیشترین فراوانی سطح تحصیلات در مقطع فوق لیسانس (۵۶٪) بوده است. همچنین شاغلین در پست‌های سازمانی حسابداری یا کارشناس مالی با حدود ۵۵٪، حسابرسی با ۲۲٪ و ذیحسابی ۱۱٪ و سایر کارکنان امور مالی با ۱۲٪ فراوانی شرکت کننده گان را از نظر عنوان شغلی نشان می‌دهد. از طرف دیگر بیشترین فراوانی شرکت کننده گان در تحقیق از نظر سنوات خدمتی، در حدود بیست سال و بالاتر بوده است. جدول شماره (۲) ویژگیهای مربوط به نمونه‌های برگرفته شده از جامعه پژوهش را منعکس می‌کند.

جدول شماره (۲) ویژگیهای توصیفی اعضای نمونه‌های مورد مطالعه

متغیر جمعیت‌شناختی	زیر مجموعه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۸۹	۶۹/۲
	زن	۸۴	۳۰/۸
سطح تحصیلات	لیسانس	۹۷	۳۵/۵
	فوق لیسانس	۱۵۵	۵۶/۸
	دکتری	۲۱	۷/۷
سابقه کار	تا ۵ سال	۴۸	۱۷/۶
	۵ تا ۱۰ سال	۵۶	۲۰/۵
	۱۰ تا ۱۵ سال	۴۶	۱۶/۸
	۱۵ تا ۲۰ سال	۴۹	۱۷/۹
عنوان شغلی	۲۰ سال بالاتر	۷۴	۲۷/۱
	حسابرس/ بازرس	۶۴	۲۳/۴
	ذیحساب / مدیرعامل	۳۱	۱۱/۴
	حسابدار / کارشناس مالی	۱۴۶	۵۳/۵
	سایر	۳۲	۱۱/۷

۳-۲- برازش مدل اندازه‌گیری

برازش مدل اندازه‌گیری تحقیق با رویکرد معادلات ساختاری از طریق بررسی پایایی شاخص،

روایی همگرا و روایی واگرا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در بررسی پایایی شاخص لازم است کلیه بارهای عاملی شاخص‌ها که بیانگر میزان شدت رابطه یک متغیر پنهان (سازه یا سوالات سنجش کننده یک متغیر) و متغیر آشکار (شاخص یا متغیر مورد بررسی در مدل) است، بزرگتر از مقدار $0/70$ بوده و حداقل در سطح $0/05$ معنی‌دار باشند. با دقت در شکل شماره (۲) ملاحظه می‌گردد که کلیه بارهای عاملی شاخص‌ها در مدل تحقیق بیش از مقادیر معیار بوده‌اند. از طرف دیگر به دلیل اینکه ضریب آلفای کرونباخ یک معیار سنتی برای تعیین پایایی سازه‌ها تلقی می‌شود، روش معادلات ساختاری معیار مدرن تری را نسبت به این معیار تحت عنوان پایایی ترکیبی^۱ بکار می‌برد. پایایی ترکیبی، شاخصی برای ارائه پایداری درونی مدل اندازه‌گیری پژوهش محسوب می‌شود و در مقادیر بالاتر از $0/70$ پذیرفته شده است. (داودی و رضازاده، ۱۳۹۵) بطوریکه مقادیر جدول شماره (۳) نشان می‌دهند شاخص مذکور در رابطه با مدل اندازه‌گیری این پژوهش دارای مقادیر قابل قبول می‌باشد. علاوه بر آن، در جدول مذکور به منظور اطمینان از کیفیت مدل اندازه‌گیری تحقیق، شاخص مقادیر اشتراکی^۲ نیز محاسبه و ارائه شده است که نشان می‌دهد چه مقدار از میزان تغییر پذیری شاخص‌ها (سوالات) توسط سازه‌ی مرتبط با خود تبیین می‌شود. در جدول شماره (۳) به همراه مقادیر شاخص‌های پایایی مدل اندازه‌گیری، معیار روایی همگرا نیز ارائه شده است. روایی همگرا یا اعتبار همگرایی، همبستگی زیاد شاخص‌های یک سازه را در مقایسه با همبستگی شاخص‌های سازه‌های دیگر نشان می‌دهد. به منظور ارزیابی اعتبار همگرایی در نرم افزار Smart PLS از شاخص AVE استفاده می‌شود. مقدار این ضریب از $0/1$ تا $0/5$ متغیر بوده و مقادیر بالاتر از $0/50$ به منظور تعیین اعتبار همگرایی پذیرفته شده است. بطوریکه ملاحظه می‌گردد کلیه مقادیر منعکس در جدول شماره (۳) بیش از مقادیر معیار بوده که این امر بیانگر آن است که مدل اندازه‌گیری تحقیق واجد روایی همگرایی قابل قبول است.

جدول شماره (۳) بررسی معیارهای پایایی شاخص و روایی همگرا در مدل پژوهش

متغیرها	CR	Communality	AVE
ادراک اخلاقی	۰/۹۰۷	۰/۳۲۰	۰/۷۶۴
قضاوت اخلاقی	۰/۹۰۰	۰/۵۲۱	۰/۶۹۴
هشداردهی خارجی	۰/۸۸۱	۰/۰۲۱	۰/۶۵۲
هشداردهی داخلی	۰/۹۰۳	۰/۱۲۴	۰/۷۰۰
هشداردهی رسمی	۰/۹۷۲	۰/۶۳۲	۰/۹۴۵
هشداردهی ناشناس	۰/۸۹۰	۰/۴۵۵	۰/۸۰۳
هوش اخلاقی	۰/۷۷۹	۰/۲۵۰	۰/۷۷۵

1. Composite Reliability (CR)

2. Communality

آخرین شاخص جهت برآزش مدل اندازه‌گیری تحقیق، روایی واگرا است که بیانگر وجود همبستگی‌های جزئی بین شاخص‌های یک سازه و شاخص‌های سازه‌های دیگر می‌باشد. در PLS به منظور تعیین شاخص فوق از معیار Fornell-Larcker (فرونل و لارکر، ۱۹۸۱) استفاده می‌شود. در ادامه و در جدول شماره (۴) ماتریس فرونل و لارکر به عنوان شاخص روایی واگرایی مدل ارائه شده است. بطوریکه ملاحظه می‌شود در ماتریس مذکور، مقدار همبستگی میان شاخص‌ها با سازه‌های مربوط به خود از همبستگی میان آنها و سایر سازه‌ها بیشتر است که این امر گواه روایی واگرایی مناسب مدل تحقیق است. از طرف دیگر دقت در جدول شماره (۴) بیانگر آن است که بیشترین میزان همبستگی بین متغیرهای پژوهش، مربوط به همبستگی بین هشداری داخلی و هشداری ناشناس با مقدار تقریبی ۷۰ درصد است.

جدول شماره (۴) ماتریس فرونل و لارکر مدل

متغیر	اهداری			قضاوت اخلاقی	ادراک اخلاقی	هوش اخلاقی
	رسمی	خارجی	داخلي			
ادراک اخلاقی				۰/۸۷۴		
قضاوت اخلاقی				۰/۸۳۳	۰/۲۰۹	
اهداری داخلی			۰/۸۳۷	۰/۰۷۳	۰/۴۱۲	
اهداری خارجی		۰/۸۰۸	۰/۴۴۰	۰/۱۳۰	۰/۱۷۴	
اهداری رسمی	۰/۹۷۲	۰/۵۰۶	۰/۴۰۹	۰/۱۰۷	۰/۴۲۷	
اهداری ناشناس	۰/۸۹۶	۰/۴۴۴	۰/۴۲۶	۰/۶۹۳	۰/۱۴۵	۰/۱۹۰
هوش اخلاقی	۰/۷۸۹	۰/۲۱۰	۰/۳۶۹	۰/۳۲۸	۰/۴۰۵	۰/۰۰۴

۳-۳- برآزش مدل ساختاری

نتایج ارزیابی ساختاری مدل که در جداول شماره (۵) و (۶) و نگاره‌های شماره (۲) و (۳) ارائه شده اند، بیانگر معناداری روابط و شدت ضرایب مسیرهای منتهی به چهار نوع هشداری تخلفات مالی مورد بررسی در این تحقیق می‌باشد. با توجه به آماره‌های t مندرج در شکل شماره (۳) و مقایسه آن با مقدار بحرانی (۱/۹۶)، با لحاظ این اینکه در کلیه گویه‌ها، آماره‌های حاصله بیش از مقادیر بحرانی می‌باشد در سطح اطمینان ۹۵٪ کلیه روابط بین اجزاء مدل تایید می‌شود. از طرف دیگر در نگاره شماره (۲)، اعداد مندرج بر روی خطوط در واقع ضرایب بتا حاصل از معادله رگرسیون میان متغیرها بوده که همان ضریب مسیر است. اعداد داخل هر دایره بیانگر مقدار R^2 مدل بوده که نشان دهنده تأثیر است که یک متغیر برون زا بر یک متغیر درون زا می‌گذارد. مقادیر ضریب تعیین (R^2) تنها برای متغیرهای وابسته مدل محاسبه می‌گردد و مقدار

آن نیز از ۰ تا ۱ متغیر است. بطوریکه ملاحظه می‌شود، ضریب تعیین برای متغیرهای هشداردهی داخلی (۰/۴۵۰) هشداردهی خارجی (۰/۴۱۱)، هشداردهی رسمی (۰/۳۹۸) و هشداردهی ناشناس (۰/۳۲۶) می‌باشد و نشان می‌دهد که متغیرهای قضاوت اخلاقی و ادراک اخلاقی با احتساب تأثیر متغیر هوش اخلاقی در مجموع توانسته اند به ترتیب ۴۵٪، ۴۱٪، حدود ۴۰٪ و ۳۲٪ از تغییرات متغیرهای هشداردهی داخلی، خارجی، رسمی و ناشناس را توضیح دهند. همچنین مقدار قابل توجه R^2 حاصل شده برای متغیر قضاوت اخلاقی (۰/۷۱۹)، بدان معنا است که ادراک اخلاقی و هوش اخلاقی روی هم رفته تأثیر قابل توجه حدود ۷۲٪ بر قضاوت اخلاقی حسابداران نسبت به پدیده هشداردهی تخلفات مالی دارند. به منظور تعیین شدت رابطه میان سازه‌های مدل، مقادیر شاخص اندازه تأثیر یا F_2 در جدول شماره (۴) ارائه شده است. به لحاظ اینکه مقادیر ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ برای F_2 به ترتیب اثرات کوچک، متوسط و بزرگ اندازه تأثیر یک سازه بر سازه دیگر را نشان می‌دهد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳) ملاحظه می‌گردد که اثر ادراک اخلاقی بر قضاوت اخلاقی به میزان (۰/۲۸۰) بوده و تأثیر قضاوت اخلاقی نسبت به هشداردهی در کلیه انواع هشداردهی‌های مورد بررسی بیش از میزان تأثیر متوسط بوده است. با توجه به اینکه در روش معادلات ساختاری با استفاده از مقادیر t می‌توان به معناداری رابطه پی برد و برای تعیین میزان رابطه نیز ضرایب مسیر را در نظر گرفت، با لحاظ جدول شماره (۵) می‌توان گفت که ادراک اخلاقی تأثیر منفی و معکوس بر قضاوت اخلاقی نسبت به پدیده هشداردهی داشته لیکن در سایر روابط تأثیرات مثبت و مستقیم است که در بخش بررسی فرضیات تحقیق تشریح خواهند شد. همانطور که در جدول شماره (۵) ملاحظه می‌شود در راستای برازش ساختاری مدل، دو معیار دیگر با عنوان Q^2_1 و شاخص افزونگی^۲ نیز ارائه شده است. معیار Q^2 یک معرف تناسب پیش بین مدل است که صرفاً برای متغیرهای وابسته در مدل قابل محاسبه است به نحویکه مقادیر بیشتر از صفر برای یک متغیر بیانگر تناسب مناسب پیش بین مدل برای آن متغیر بوده در مقابل مقادیر صفر و پایین تر فقدان تناسب پیش بین را در مدل ارائه شده نشان می‌دهند. در مدل تحقیق با توجه به مقادیر معیار بر حسب نظر هینسلر و همکاران (۲۰۰۹) که مقادیر ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی پیش‌بینی متغیر در مدل می‌دانند، ملاحظه می‌گردد که مقادیر Q^2 سه متغیر قضاوت اخلاقی، هشداردهی خارجی و هشداردهی رسمی بیش از حد متوسط بدست آمده است. شاخص افزونگی نیز یکی دیگر از شاخص‌هایی است که کیفیت مدل ساختاری را نشان می‌دهد و صرفاً برای متغیرهای سطح دوم مدل قابل محاسبه می‌باشد بنحویکه باید اعداد حاصل مثبت باشند که در مدل پژوهش کلیه نتایج حاصل در خصوص این معیار مثبت می‌باشند که بیانگر کیفیت قابل قبول مدل ارائه شده است.

1. Stone-Geisser Criterion

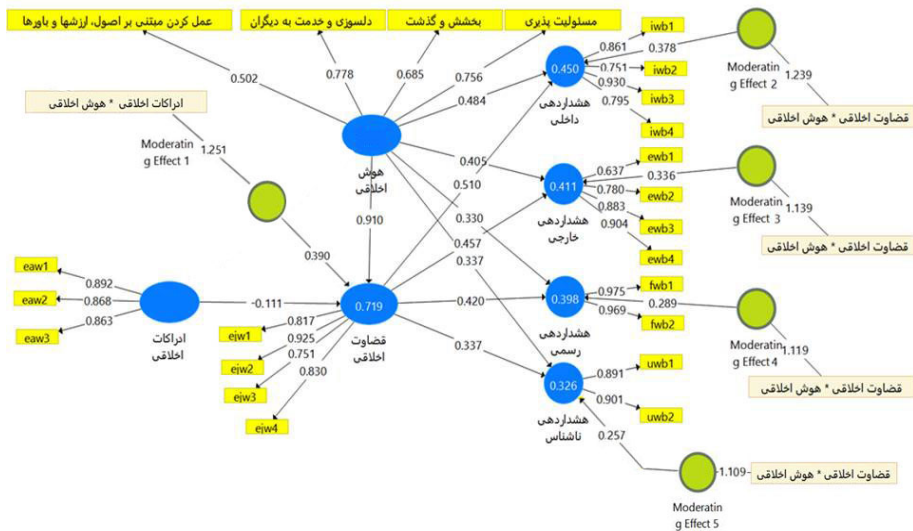
2. Redundancy

جدول شماره (۵) معیار اندازه اثر مدل تحقیق

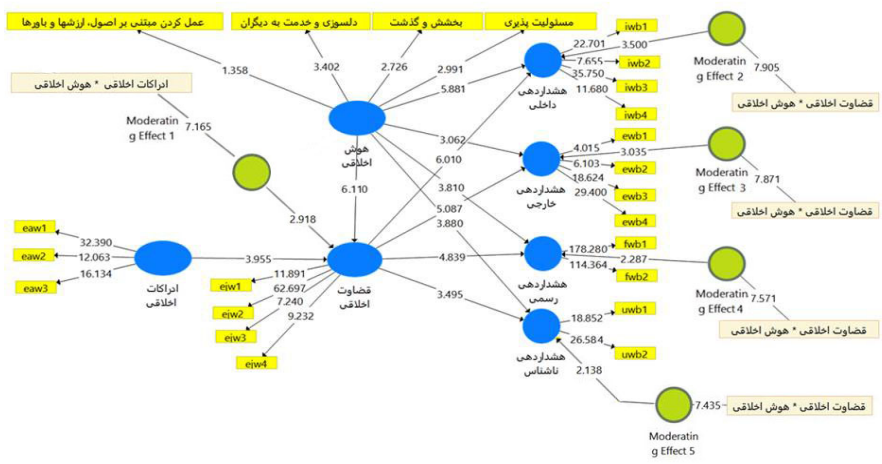
همداردهی				قضاوت اخلاقی	مؤلفه
ناشناس	رسمی	داخلی	خارجی		
.....	۰/۲۸۰	ادراک اخلاقی
۰/۲۲۹	۰/۳۱۶	۰/۴۹۲	۰/۳۵۹	قضاوت اخلاقی
.....	۰/۳۵۰	هوش اخلاقی

جدول شماره (۶) شاخص‌های برازش ساختاری مدل تحقیق

Redundancy	Q ²	R ²	
۰/۱۴۵	۰/۱۶۹	۰/۷۱۹	قضاوت اخلاقی
۰/۱۶۱	۰/۱۲۴	۰/۴۵۰	همداردهی داخلی
۰/۲۲۰	۰/۲۰۰	۰/۴۱۱	همداردهی خارجی
۰/۴۰۶	۰/۲۰۰	۰/۳۹۸	همداردهی رسمی
۰/۱۶۰	۰/۱۳۲	۰/۳۲۶	همداردهی ناشناس



شکل شماره (۲) بارهای عاملی مدل تحقیق



شکل شماره (۳) ضرایب مسیر و بارهای عاملی مدل

۳-۴- تحلیل ماتریس اهمیت - عملکرد (IPMA)

خصیصه کلیدی رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری کمترین مربعات جزئی (PLS-SEM) استخراج مقادیر متغیرهای مکنون است. تحلیل ماتریس اهمیت-عملکرد (IPMA) در بسط یافته‌های نتایج اساسی روش فوق با استفاده از مقادیر متغیرهای مکنون مؤثر می‌باشد. برای یک متغیر مکنون درونزای معین که یک سازه کلیدی هدف را در تحلیل نشان می‌دهد IPMA اثرات کل مدل ساختاری (اهمیت) و مقادیر متوسط متغیرهای مکنون (عملکرد) را مقابله می‌دهد تا حوزه‌های پراهمیت را مشخص کند (هایر و همکاران، ۲۰۱۴). اجرای ماتریس اهمیت - عملکرد (IPMA) نیازمند شناسایی یک سازه هدف است که ما در این پژوهش، متغیر قضاوت اخلاقی را به عنوان سازه هدف انتخاب کردیم و همچنین نیازمند اثرات کل و مقادیر عملکردی است. در جدول شماره (۷) نتایج ماتریس اهمیت - عملکرد (IPMA) سازه قضاوت اخلاقی ارائه شده است. با توجه به این جدول هوش اخلاقی دارای بالاترین عملکرد سازه نسبت به قضاوت اخلاقی بوده ضمن اینکه از درجه اهمیت کمتری نسبت به سازه ادراک اخلاقی برخوردار است.

جدول شماره (۷) ماتریس اهمیت - عملکرد (IPMA) سازه قضاوت اخلاقی

عملکرد	اهمیت	متغیرهای مکنون
۰/۱۳۱	۰/۷۲	ادراک اخلاقی
۰/۶۱۰	۰/۵۶	هوش اخلاقی

۳-۵- نحوه بررسی فرضیه‌ها

با توجه به شکل شماره (۳) و مقادیر t محاسبه شده در جدول شماره (۸) بطوریکه پیش تر نیز ذکر شد با مقایسه مقادیر t برای هر مسیر که معرف یکی از فرضیه‌های پژوهش نیز می‌باشد و مقایسه با قدر مطلق مقدار بحرانی (۱/۹۶) در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان به بررسی تأیید و یا عدم تأیید فرضیه‌های پژوهش پرداخت.

جدول شماره (۸) خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

فرضیه	مسیر در مدل	ضریب مسیر	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
اول	ادراک اخلاقی -> قضاوت اخلاقی (با لحاظ تأثیر مثبت)	-۰/۱۱۱	۳/۹۵۵	۰/۰۰۵	رد فرضیه
دوم	هوش اخلاقی * ادراک اخلاقی -> قضاوت اخلاقی	۰/۳۹۰	۲/۹۱۸	۰/۰۰۱	تایید فرضیه
سوم	قضاوت اخلاقی -> هشداردهی داخلی	۰/۵۱۰	۶/۰۱۰	۰/۰۰۰	تایید فرضیه
چهارم	قضاوت اخلاقی -> هشداردهی خارجی	۰/۴۵۷	۵/۰۸۷	۰/۰۰۰	تایید فرضیه
پنجم	قضاوت اخلاقی -> هشداردهی رسمی	۰/۴۲۰	۴/۸۳۹	۰/۰۰۰	تایید فرضیه
ششم	قضاوت اخلاقی -> هشداردهی ناشناس	۰/۳۳۷	۳/۴۹۵	۰/۰۰۱	تایید فرضیه
هفتم	هوش اخلاقی * قضاوت اخلاقی -> هشداردهی داخلی	۰/۳۷۸	۳/۵۰۰	۰/۰۰۰	تایید فرضیه
هشتم	هوش اخلاقی * قضاوت اخلاقی -> هشداردهی خارجی	۰/۳۳۶	۳/۰۳۵	۰/۰۰۲	تایید فرضیه
نهم	هوش اخلاقی * قضاوت اخلاقی -> هشداردهی رسمی	۰/۲۸۹	۲/۲۸۷	۰/۰۰۱	تایید فرضیه
دهم	هوش اخلاقی * قضاوت اخلاقی -> هشداردهی ناشناس	۰/۲۵۷	۲/۱۳۸	۰/۰۰۱	تایید فرضیه

بطوریکه ملاحظه می‌گردد، فرضیه اول گرچه بواسطه مقدار t حاصل (۳/۹۵۵) از لحاظ آماری تأیید می‌شود یعنی ادراک اخلاقی بر قضاوت اخلاقی تأثیرگذار است لیکن به واسطه اینکه جهت تأثیر متغیر مذکور بر قضاوت اخلاقی حسابداران نسبت به هشداردهی، مثبت فرض می‌شد، به لحاظ ضریب مسیر منفی حاصل شده (-۰/۱۱۱) تأثیر ادراک اخلاقی بر قضاوت اخلاقی نسبت به پدیده هشداردهی تخلفات مالی، منفی و مستقیم است از این حیث فرض اول رد می‌شود. به عبارت دیگر صرفاً ادراک اخلاقی یک تخلف مالی قابل هشدار دادن، به تنهایی، نه تنها قادر به وا داشتن فرد هشداردهنده به افشای آن نیست بلکه تا حدودی تأثیر منفی نیز در این رابطه

خواهد داشت. در فرضیه دوم که مبین نقش تعدیل‌گر هوش اخلاقی در رابطه بین ادراک اخلاقی و قضاوت اخلاقی است، با توجه به آماره t با مقدار (۲/۹۱۸) و لحاظ اینکه این مقدار بزرگتر از قدر مطلق ۱/۹۶ بوده است، در نتیجه فرض تعدیلگر بودن هوش اخلاقی در رابطه ادراک اخلاقی و قضاوت اخلاقی حسابداران، در سطح اطمینان ۹۵٪ قابل پذیرش است. در راستای تعیین مقدار تأثیر این متغیر، ضریب مسیر حاصل (۰/۳۹۰) نشان می‌دهد که هوش اخلاقی از اثرگذاری قابل توجهی در رابطه مذکور برخوردار بوده است. نتایج حاصل از بررسی فرضیه سوم نشان می‌دهد که با لحاظ مقدار t حاصل (۶/۰۱۰) و ضریب مسیر (۰/۵۱۰) قضاوت اخلاقی بر هشداردهی داخلی تخلفات مالی توسط حسابداران، به صورت مستقیم به طور قابل توجهی تأثیرگذار است. علاوه بر آن این امر در فرضیه چهارم نیز با آماره t (۵/۰۸۷) و ضریب مسیر (۰/۴۵۷) صادق بوده و بیانگر تأثیر مثبت و مستقیم قضاوت اخلاقی بر هشداردهی خارجی تخلفات مالی توسط حسابداران می‌باشد هرچند که این میزان، به اندازه‌ی شدت هشداردهی داخلی توسط آنان نیست. از طرف دیگر در رابطه با آزمون فرضیه پنجم مبنی بر تأثیر گذاری قضاوت اخلاقی بر هشداردهی رسمی تخلفات مالی توسط شاغلان حرفه حسابداری در بخش عمومی، با عنایت به مقدار t مندرج در جدول شماره (۸) به میزان (۴/۸۳۹) و ضریب مسیر (۰/۴۲۰) نتیجه می‌گیریم که فرضیه مذکور نیز قابل پذیرش می‌باشد به علاوه در رابطه با تأثیر قضاوت اخلاقی بر هشداردهی ناشناس نیز با لحاظ مقادیر t (۳/۴۹۵) و ضریب مسیر (۰/۳۳۷) به این نتیجه می‌رسیم که قضاوت اخلاقی بر هشداردهی ناشناس تخلفات مالی تأثیر مثبت و مستقیم دارد هرچند که شدت این تأثیر در مقام قیاس با سایر انواع هشداردهی مورد بررسی در این پژوهش کمتر است. در رابطه با بررسی فرضیات هفتم لغایت دهم که مربوط به نقش تعدیل‌گری متغیر هوش اخلاقی در رابطه بین قضاوت اخلاقی و چهار نوع هشداردهی داخلی، خارجی و رسمی و ناشناس است نتایج حاصل با توجه به مقادیر t مندرج در جدول فوق نشان می‌دهد که کلیه فرضیات مبنی بر تعدیل‌گری این متغیر مورد پذیرش قرار گرفته هرچند نقش این تأثیر با توجه به ضرایب مسیر حاصل در انواع مختلف هشداردهی‌ها یکسان نیست. بطوریکه بیشترین نقش تعدیل‌گری هوش اخلاقی در رابطه بین قضاوت اخلاقی و هشداردهی داخلی با ضریب مسیر (۰/۳۷۸) بوده و کمترین میزان مربوط به هشداردهی ناشناس با ضریب مسیر (۰/۲۵۷) می‌باشد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

تخلف، تقلب و فساد مالی طیف وسیعی از رفتارها را در بطن سازمان شامل می‌شود که جوهره اصلی آنها زیرپا قرار دادن قوانین و مقررات لازم‌الاجراء در فرآیند انجام وظایف توسط کارکنان در رده‌های مختلف سازمان است. حرفه حسابداری همواره در معرض پیامدهای خطرناک خطا‌کاریهای سازمان صاحبکار خود قرار دارد و بروز چنین رویدادهایی می‌تواند اعتبار و حیثیت این حرفه را نزد جامعه مخدوش نماید. برای اجتناب از بروز چنین رخدادی، حسابداران می‌بایست به این آگاهی دست یابند که مسئولیت آنان ماورای آئین رفتار حرفه‌ای و سازمانی بوده

و در راستای حفظ منافع عموم جامعه قرار دارد بنابراین اهمیت اقدام به هشداری در حرفه حسابداری کاملاً مبرهن است.

در این پژوهش نتایج حاصل از فرضیات تحقیق نشان می‌دهد که ادراک یک خطای قابل افشاگری، خود به تنهایی، اثر جزئی و معکوس بر قضاوت اخلاقی حسابداران دارد. در حقیقت، رابطه خطی و مستقیم بین ادراک اخلاقی و قضاوت اخلاقی نسبت به هشداری برقرار نیست چراکه عواملی همچون: حالات روحی و روانی فرد هشداردهنده، قدرت متخلف، ترس از انتقام‌گیری و دیگر عوامل مختلف سازمانی و فرهنگی که در تحقیقات پیشین نیز مورد تأکید قرار گرفته‌اند، در این رابطه نقش آفرینی می‌کنند (نمازی و ابراهیمی، ۱۳۹۵، علی نقیبیان و همکاران، ۱۳۹۵، بنی‌مهد و گل محمدی، ۱۳۹۶، فیروزی و برزگر، ۱۳۹۷ و لاتان و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین اثبات نقش مثبت قابل توجه تعدیل‌گری هوش اخلاقی در رابطه میان ادراک اخلاقی و قضاوت اخلاقی نسبت به پدیده هشداری، نشان می‌دهد که می‌توان ادراک اخلاقی و قضاوت اخلاقی را با افزایش ظرفیت اخلاقی فرد حسابداری بهبود بخشید این امر نتایج تحقیقات هینگ (۲۰۰۸)، شوارتز (۲۰۱۶)، لاتان و همکاران (۲۰۱۸) و حاجیها و ملاسلطانی (۱۳۹۵) را تأیید می‌کند. با عنایت به شدت روابط حاصل، این نکته را می‌بایست مد نظر قرار داد که قضاوت اخلاقی بر انواع مختلف هشداری مورد مطالعه دارای اثر یکسانی نمی‌باشد. بطوریکه بیشترین میزان تأثیرگذاری قضاوت اخلاقی مربوط به هشداری داخلی بوده و کمترین آن مربوط به هشداری ناشناس است. این نتایج، مشابه نتایج حاصل از پژوهش‌های ژنگ (۲۰۱۷)، لاتان و همکاران (۲۰۱۸)، آلنه و همکاران (۲۰۱۸) می‌باشد. علاوه بر آن نتایج حاصل نشان می‌دهد که هوش اخلاقی به نحو چشمگیری رابطه میان قضاوت اخلاقی و انواع مختلف هشداری تخلفات مالی مورد بررسی در این تحقیق را بهبود می‌بخشد. به عبارت بهتر با تقویت ابعاد هوش اخلاقی، در فرد شاغل در حرفه حسابداری، احتمال هشداری، تخلف حادث شده که وی شاهد آن بوده است نیز بیشتر می‌شود. این یافته در راستای نتایج حاصل از تحقیقات صورت گرفته توسط ژنگ (۲۰۱۶)، لاتان و همکاران (۲۰۱۷)، حاجیها و ملاسلطانی (۱۳۹۵) و افشانی و همکاران (۱۳۹۷)، قرار می‌گیرد.

اثر مثبت و قابل توجه هوش اخلاقی بر ادراک اخلاقی و قضاوت اخلاقی نسبت به انواع هشداری تخلفات مالی توسط حسابداران بیانگر آن است که این قابلیت می‌تواند به عنوان یک راهنما برای رفتار و اعمال فرد حسابداری عمل نموده و توانایی درونی وی را برای تشخیص در بزنگاههای حساس تصمیم‌گیری، مهیا سازد. قابلیت ادراک و تشخیص درست و نادرست در افراد در اثر تعاملات اجتماعی و در برخورد با موقعیتهای مختلف در زندگی به صورت مستقیم و غیر مستقیم حاصل شده و تقویت می‌شود. با اینحال موقعیتهایی که افراد در آن به قضاوت می‌پردازند می‌تواند در پرورش هوش اخلاقی مؤثر واقع شوند. همانگونه که در مدل جامع تصمیم‌گیری اخلاقی نیز به آن اشاره شد، هوش اخلاقی معادل ظرفیت اخلاقی تعریف شده و به شدت عوامل شخصیتی - روانشناختی، تجربیات اخلاقی و عوامل جمعیت شناختی در پرورش و افزایش آن

تأثیرگذارند. هرچند رشد هوش اخلاقی می‌بایست از دوران کودکی مورد توجه قرار گیرد و در طی دوران تحصیل فرد در نظام آموزشی کشور مهارت‌های مرتبط با آموزه‌های اخلاقی در وی ایجاد و تقویت شود با این وجود نباید سازمانها از پرورش هوش اخلاقی کارکنان خود پس از جذب غافل بمانند. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می‌شود: در کنار اعمال سیاستها و رویه‌های تسهیل‌کننده هشداری (ایجاد کانالهای امن گزارش‌گیری، برخورد با متخلفان، تصویب قوانین حفاظت‌کننده از هشداردهنده و...)، سازمانها در هنگام بکارگیری و استخدام حسابداران، در مصاحبه‌های استخدامی، مؤلفه‌های هوش اخلاقی را در آنها سنجیده و لحاظ کنند. پس از استخدام نیز با تدوین و کاربرد برنامه‌های مختلف آموزشی و پرورشی مبتنی بر آئین رفتار حرفه‌ای، نسبت به بهبود قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی در آنان اقدام نموده و در خلال این برنامه‌ها با استفاده از شیوه‌های نوین آموزش رفتار اخلاقی، نسبت به ارتقاء مؤلفه‌های هوش اخلاقی به ویژه مواردی همچون، عمل کردن مبتنی بر اصول و ارزش‌ها و مسئولیت‌پذیری که ارتباط بسیار بیشتری با انواع هشداری تخلفات مالی دارند، مبادرت نمایند. این برنامه‌ها نباید صرفاً مبتنی بر مباحث تئوریک باشند بلکه می‌بایست با بکارگیری شیوه‌های نوین آموزش اخلاق حرفه‌ای مبتنی بر شبیه‌سازی موقعیت‌ها و تنگناهای اخلاقی (افته‌کاوی) در محیط کار، مهارت‌های حل مسائل اخلاقی مبتلا به حرفه را به همراه راهکارهای عملی به شاغلان حرفه حسابداری در دستگاههای اجرایی ارائه نماید بطوریکه آنان در هنگام مواجهه با تخلفات مالی با انتخاب مناسب‌ترین تصمیم، منافع حرفه و جامعه را در الویت قرار دهند.

این پژوهش نیز همانند بسیاری از پژوهش‌های انجام شده در حوزه علوم اجتماعی با محدودیت‌هایی مواجه بوده است که از آن جمله می‌توان به محدودیت ذاتی مربوط به ابزار گردآوری داده‌ها (پرسشنامه) و عدم گسترده‌تر بودن قلمرو پژوهش با عنایت به جامعه مورد مطالعه اشاره نمود که در تحقیقات آتی می‌بایست مد نظر دیگر پژوهش‌گران قرار گیرد.

□ ۵- پیشنهاد برای تحقیقات آتی

با توجه به این موضوع که هشداری و افشاگری به ویژه در حرفه حسابداری و حسابرسی موضوع پژوهشی جدیدی در کشور ما محسوب می‌شود طیف وسیعی از موضوعات جهت انجام پژوهش‌های آتی در اختیار محققان قرار خواهد داشت که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

۱. ارزیابی تأثیر انواع احساسات (همچون: خشم، ترس، استرس و...) بر ادراک اخلاقی و قضاوت اخلاقی حسابداران و حساب‌رسان نسبت به هشداری.
۲. شناسایی عوامل فردی و سازمانی مؤثر بر عدم افشای خطاکاری‌های رخ داده در حرفه حسابداری.
۳. ارزیابی مقایسه‌ای نگرش حسابداران شاغل در بخش خصوصی و دولتی نسبت به هشداری تخلفات و سوءاستفاده‌های مالی.
۴. نقش متغیرهایی همچون: قوانین حمایتی، حمایت سازمانی ادراک شده، مشوق‌های مالی

بر نیت حسابداران نسبت به انواع مختلف هشداری.

□ منابع و مآخذ

الف- منابع فارسی:

۱. آذر، عادل، غلام زاده، رسول، فنواتی، مهدی (۱۳۹۱)، مدل سازی مسیری - ساختاری در مدیریت: کاربرد نرم افزار Smart PLS، تهران، انتشارات نگاه دانش.
۲. افشانی، مینو، وحدتی، حجت، حکاک، محمد، موسوی، سید نجم‌الدین (۱۳۹۷)، بررسی عوامل اثرگذار بر قصد افشای تخلفات در کارکنان بخش بهداشت و درمان (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مشهد)، مدیریت بهداشت و درمان، سال نهم، شماره (۲)، صفحات ۷۷-۸۶.
۳. بنی‌مهد، بهمن، گل محمدی، آرش (۱۳۹۶)، بررسی رابطه میان جو اخلاقی و هشداری در مورد تقلب از طریق مدل گزارشگری اختیاری در حرفه حسابداری ایران، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال دوم، شماره (۳)، صفحات ۶۱-۸۶.
۴. بیگی هرچگانی، ابراهیم، بنی‌مهد، بهمن، رئیس زاده، سید محمدرضا، رویایی، رضاعلی (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر ویژگی رفتاری فرصت طلبی بر هشداری حساب‌برسان، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال اول، شماره (۲)، صفحات ۶۵-۹۵.
۵. حاجیها، زهره، ملاسلطانی، جمال (۱۳۹۵)، رابطه بین هوش اخلاقی و عملکرد حساب‌برسان مستقل، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال یازدهم، شماره (۱)، صفحات ۱۰۵-۱۱۶.
۶. حاجیها، زهره، راشکی گزیه، علی (۱۳۹۶)، رابطه اخلاق حسابداری با توان تصمیم‌گیری و رفتار مدیران، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوازدهم، شماره (۲)، صفحات ۱۵۵-۱۶۰.
۷. حساس یگانه، یحیی، مقصودی، امید (۱۳۹۰)، ارزشهای اخلاقی در قضاوت حرفه‌ای حساب‌برسان، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ششم، شماره (۱)، صفحات ۶۳-۷۴.
۸. داوری، علی، رضازاده، آرش (۱۳۹۵)، مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۹. علینقیان، نسرين، نصر اصفهانی، علی، صفری، علی (۱۳۹۵)، تأثیر عوامل ساختار سازمانی و فرهنگ سازمانی بر تمایل به افشای در سازمان، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت دولتی، سال هشتم، شماره (۳)، صفحات ۴۳۷-۴۵۸.
۱۰. فیروزی، مریم، بزرگر، الهه (۱۳۹۷)، رابطه میان جنبه‌های موقعیتی حسابداران و تصمیم به اعلام و انتشار اقدامات غیر اخلاقی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سیزدهم، شماره (۲)، صفحات ۱۱۹-۱۲۸.
۱۱. گل محمدیان، محسن، بهروزی، ناصر. یاسمی نژاد، پریسا (۱۳۹۴)، هوش اخلاقی ماهیت و ضرورت آن، اخلاق پزشکی، سال نهم، شماره (۳۳)، صفحات ۱۲۱-۱۴۲.
۱۲. نمازی، محمد، ابراهیمی، فهیمه (۱۳۹۵)، مدل‌بندی و تعیین الویت عوامل مؤثر بر قصد گزارش تقلب‌های مالی توسط حسابداران، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دوازدهم، شماره (۴۹)، صفحات ۱ تا ۲۸.

ب- منابع انگلیسی:

1. Alleyne, Philmore., Hudaib, Mohammad., Haniffa, Roszaini. (2018). The Moderating Role of Perceived Organisational Support in Breaking the Silence of Public Accountants. *Journal of Business Ethics*, 147(3), 509-527.
2. Bagdasarov, Z., Johnson, J. F., MacDougall, A. E., Steele, L. M., Connelly, S., & Mumford, M. D. (2016). Mental models and ethical decision making: The mediating role of sense-making. *Journal of Business Ethics*, 138, 133-144.
3. Culiberg, B., & Mihelic, K. K. (2016). The evolution of whistleblowing studies: A critical review and research agenda. *Journal of Business Ethics*. doi:10.1007/s10551-016-3237-0.



4. Curtis, M. B., & Taylor, E. Z. (2013). Whistleblowing in public accounting: Influence of identity disclosure, situational context, and personal characteristics. *Accounting and the Public Interest*, 9(1), 191–220.
5. Gao, Lei, Brink, Alisa. (2017). Whistleblowing studies in accounting research: A review of experimental studies on the determinants of whistleblowing. *Journal of Accounting Literature*, 38, 1–13.
6. Geng, Xin. (2017). The Effect of a Leader's Emotional Intelligence on the Subordinate's Intention to Whistleblow. *Journal of Accounting Literature*, 38, 1–13.
7. Greene, Joshua. (2017). The rat-a-gorical imperative: Moral intuition and the limits of affective learning. *Journal of Cognition*, 167, 66–77.
8. Henik, E. (2008). Mad as hell or scared stiff? The effects of value conflict and emotions on potential whistle-blowers. *Journal of Business Ethics*, 80, 111–119.
9. Hollings, J. (2013). Let the story go: The role of emotion in the decision-making process of the reluctant, vulnerable witness or whistle-blower. *Journal of Business Ethics*, 114(3), 501–512.
10. Latan, H, Ringle, C. M., & Jabbour. (2018). Whistleblowing intentions among public accountants in Indonesia: Testing for the moderation effects. *Journal of Business Ethics*, 152(2), 573–588.
11. Latan, Hengky., Chiappetta Jabbour, Charbel., & Beatriz Lopes, Ana. (2017). Ethical Awareness, Ethical Judgment and Whistleblowing: A Moderated Mediation Analysis. *Journal of Business Ethics*, DOI: 10.1007/s10551-017-3534-2
12. Lehnert, K., Park, Y.-H., & Singh, N. (2015). Research note and review of the empirical ethical decision-making literature: Boundary conditions and extensions. *Journal of Business Ethics*, 129, 195–219.
13. Lennick, D & Kiel, F (2008). *Moral Intelligence, Enhancing Business Performance and Leadership Success*. New Jersey: Wharton School of the University of Pennsylvania and Pearson Education.
14. Near, Janet, Miceli, Marcia. (2016). After the wrongdoing: What managers should know about whistleblowing. *Journal of Business Horizons*, 59, 105–114.
15. Schwartz, M. S. (2016). Ethical decision-making theory: An integrated approach. *Journal of Business Ethics*, 139(4), 755–776.
16. Taylor, E. Z., & Curtis, M. B. (2013). Whistleblowing in audit firms: Organizational response and power distance. *Behavioral Research in Accounting*, 25(2), 21–43.